

روزنامه فرهنگ ایرانی • علم	
۸ صفحه	۸ صفحه
۸ صفحه	۱۰ صفحه

«ام اس» الزاما بیماری خطر ناکی نیست

پروتکل درمان در ایران با آمریکا و اروپا یکسان است

نوازندگان زن در صحنه اصفهان جای ندارند

یادداشت

کودکان طلاق و عبور از مسایل جدایی والدین

لیلا ارشد، روانشناس

طبیعی است که کودکان طلاق از زمان طولانی پیش از طلاق والدین با اختلافات و درگیری‌های آنها دست به گریبان بوده‌اند و این مشکلات بعدها تأثیری را در زندگی زناشویی این کودکان خواهد داشت. از آنجا که در ایران آموزش‌های لازم در زمینه همسرداری و نیز فرزندپروری وجود ندارد، اختلافات والدین در خانواده به شکل مستقیم روی کودک تأثیر می‌گذارد. اما با طلاق مشکلات کودکان تمام نمی‌شود و حتی بعد از طلاق هم مسایل ناشی از اختلاف پدرومادر به کودک آسیب خواهد زد. بسیاری از اوقات کودکی که با مادر زندگی می‌کنند بابت دیدار با پدر یا بالعکس آسیب می‌بینند و این در نتیجه اختلافاتی است که پدر و مادر هنوز در حال ادامه دادن به آن هستند اینکه قرار دیدار مادر با کودکی که به پدر سپرده شده است لغو شده، به ظاهر ساده است اما برای این کودک مشکلات بسیار شدید عاطفی و ناامنی به همراه خواهد داشت. در ایران قوانین واگذاری کودک به پدر یا مادر به‌طور معمول به‌نفع کودک نیست. رای دادگاه در این مورد همیشه نمی‌تواند منصفانه باشد. به این دلیل باید تصمیم‌گیری در مورد اینکه فرزند طلاق با پدر زندگی کند یا مادر را منوط به نظر مددکار اجتماعی و خود کودک کرد.

در سال‌های اخیر در ایران زنان توانمندی‌های زیادی در به‌دست‌آوردن مشاغل گوناگون کسب کرده‌اند اما هنوز هم در شرایط یکسان زنان به نسبت مردان دستمزدهای کمتری می‌گیرند و به‌سبب محتمل است که به این دلیل زنان بسیاری امکان سرپرستی فرزندان را نداشته باشند. در چنین شرایطی بهترین راه این است که پدر و مادر اختلافات پیشین را فراموش کنند و هر تصمیمی می‌گیرند در راستای آرامش بیشتر فرزند باشند. برای مثال اگر زن مادر خوبی است ولی شرایط مالی خوبی ندارد، مرد با تأکید بر این شرایط مادر اقدام به گرفتن سرپرستی از دادگاه نکند بلکه اجازه بدهد کودک با مادر بماند و پدر هزینه‌های او را تأمین کند.

در هر حال باید پذیرفت که کودکان تک‌والدی دچار مشکلات و تعارض‌هایی هستند. برای مثال هنگامی که دختری با پدر زندگی می‌کند و مدرسه تأکید می‌کند که مادر باید در جلسه حضور پیدا کند و بالعکس، این بدون تردید برای کودک مشکلاتی ایجاد می‌کند. این مورد نیز از مواردی است که پدرومادر باید در مورد حل آن به تصمیم مشترک برسند.

به‌نظر می‌رسد در آینده با افزایش طلاق بیش از همیشه با والدینی مواجه خواهیم بود که «فرزند طلاق» بوده‌اند. این کودکان در زندگی‌های مشترک خود دو شیوه را در پیش خواهند گرفت. یکی از معمول‌ترین شیوه‌ها تکرار رفتارهای پدر و مادر (رفتارهایی که خود کودک همیشه از آنها رنج برده) در زندگی زناشویی است. طبیعی است که در این شیوه احتمال اینکه زندگی زناشویی این فرزند طلاق دیروز هم به طلاق برسد، بالاست. برای نمونه کودکی که بابت کتک زدن مادر همیشه از پدر ناراحت و عصبانی بوده بسیار محتمل است در زندگی زناشویی خود مردی باشد که همسرش را کتک می‌زند.

اما شیوه دیگری نیز وجود دارد که از اساس با شیوه زندگی پدر و مادر این کودک طلاق دیروز متفاوت است. این شیوه در جایی به وجود می‌آید که کودک با استفاده از مشاوره‌های روان‌شناسی توانسته باشد مشکلات ناشی از اختلاف و طلاق والدین را پشت سر بگذارد. بر این اساس و از آنجا که به‌طور معمول در ایران روانکاوی و مشاوره‌های روانی بسیار گران هستند، مهیاکردن مراکزی که در آنها مشاوره به رایگان یا با کمترین هزینه و با استفاده از بیمه انجام شود، می‌تواند نقش مهمی در سلامت نسلی که قرار است والدین کودکان فردا باشند، داشته باشد. آموزش شیوه‌های فرزندپروری از نیازهای امروز جامعه ایران است که اگر به هر دلیلی طلاق اتفاق افتاد، کودکان کمتر دچار آسیب شوند و این آسیب‌ها به نسل بعد منتقل نشود.

در نهایت برای جلوگیری از انتقال آسیب‌های ناشی از طلاق به نسل بعدی دو چیز باید در فهرست اولویت‌ها قرار گیرد. اول اینکه قوانین به نفع کودکان و با نگاه به پیمان‌نامه حقوق کودک تغییر کند و دیگر اینکه از مادری که توانایی مادی نگهداری از فرزندان‌شان را ندارند، حمایت شود.



نگاه

چند خانواده ایرانی «تک‌والدی» است؟

«خانواده تک‌والدی» از دهه ۱۹۶۰ در غرب رواج یافته است. در این خانواده‌ها فرزندان تنها با یکی از والدین خود و در اکثر موارد، با مادر زندگی می‌کنند. بر اساس تحقیقی که با عنوان «ویژگی‌ها و پیامدهای اسکان غیررسمی و حاشیه‌نشین شهری مطالعه موردی: کلاتشهر تهران»، توسط سیدرضا صالحی‌امیری و زهرا خیایی در سال ۱۳۸۹ انجام گرفته، آمار کشورهای اروپایی نشان می‌دهد که بیش از ۵۰درصد جمعیت این کشورها در دهه پایانی قرن بیستم، در خانواده‌های تک‌والدینی می‌زیست‌اند. علاوه‌بر این دفتر آمار آمریکا گزارش داد که در سال ۲۰۰۰ حدود ۱۲ میلیون خانواده تک‌والدی وجود دارند. شاید بتوان علت اصلی ظهور و گسترش خانواده‌های تک‌والدی را کاهش ازدواج رسمی، زندگی مشترک بدون ازدواج، فردگرایی مفرط، گرایش به طلاق و سانسازی تشریفات طلاق دانست. یکی از بارزترین مصادیق گسترش فریدت در میان افراد اهمیت‌یافتن حق، خواست‌ها و تمایلات فرد، فارغ از ملاحظات خانوادگی است. به تعبیری در فردگرایی هرگونه ارتقا یا تنزل پایگاه اجتماعی برای اعضای خانواده یا هرگونه ایفای نقشی در قالب حق من و حق تو ابراز می‌شود. بنابراین گسترش خانواده‌های تک‌والدی، افزایش آمار طلاق و جدایی‌ها در خانواده و بدیهی‌شمردن حق طلاق به‌عنوان حق اولیه هر انسانی از مصادیق فردگرایی است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که آمار طلاق در سال ۸۵ نسبت به سال ۷۵ در کل کشور ۶۸درصد افزایش داشته و در تملی ۸۰هزار طلاق، خانواده‌ها صاحب فرزند هستند. ۸۰هزار کودک از بعد از طلاق، یا با مادر زندگی می‌کنند یا با پدر. نکته مهم این است که این بچه‌ها بزرگ می‌شوند و وارد جامعه می‌شوند. پس جامعه باید به آنها توجه داشته باشد. حکومت، قانونگذار و نهادهای مدنی باید برنامه‌های ویژه‌ای برای این کودکان داشته باشند.

کارشناس مسایل اجتماعی شورای فرهنگی اجتماعی زنان در پژوهشی که درخصوص مشکلات کودکان در خانواده‌های تک‌والد انجام داده، در مورد تأثیرات منفی عدم‌حضور یکی از والدین در خانواده می‌گوید: «اکثر تحقیقاتی که با موضوع خانواده‌های تک‌والدی انجام شده است، در مورد پیامدهای منفی وضعیت نامطلوب اقتصادی روی کودکانی است که دور از پدرشان زندگی می‌کنند. این تحقیقات تأکیدمی‌کند که باید مطالعات تطبیقی در مورد تأثیر زندگی فقیرانه روی خانواده‌های تک‌والد و خانواده‌های دو والد انجام شود. پژوهشگران معتقدند زنان فقدان پدر در خانواده‌های تک‌والدی که زن سرپرست آن است، تنها از دست‌آوردن درآمد مرد نیست، پدرانی که همسرشان را طلاق داده‌اند، در تأمین معاش فرزندان خود دست می‌کشند و مادران را وا می‌دارند تا تمام بار مالی خانواده، اعم از خود و فرزندان را برعهده بگیرند، در نتیجه فشار اقتصادی باعث می‌شود که این مادران فرصت کمتری برای مراقبت از کودکان خود داشته باشند.» در ایران تنها آماری که می‌توان از خانواده‌های تک‌والد سراغ گرفت، آمار از زنان سرپرست خانوار، است. در دیم‌ه سال گذشته، عادل آذر، رئیس «مرکز آمار ایران»، اعلام کرد در سرشماری سال ۱۳۹۰، ۲۱ میلیون و ۱۱۰هزارو ۴۸۱ خانوار شناسایی شد که ۸۸درصد سرپرست‌های آنها مرد و ۱۲درصد آنها زن هستند. آذر گفت: «این در حالی است که در سرشماری‌های ابتدای تعداد زنان سرپرست خانوار ۶/۵درصد بود اما در سال ۹۰ با رشد دوبرابری مواجه شدیم و این رقم به ۱۲درصد رسید. بر این اساس پیش‌بینی می‌شود تا سه سال آینده آمار زنان سرپرست خانوار به ۱۵درصد برسد».

به نظر می‌رسد تعداد خانواده‌های تک‌والد با والد مرد، بسیار کمتر از تعداد این نوع خانواده‌ها با والد زن باشد.



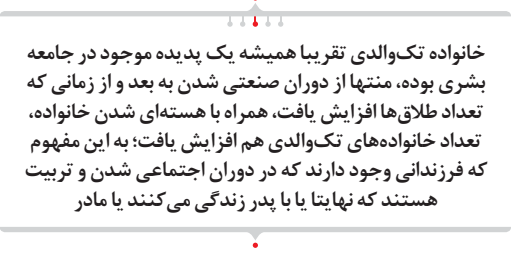
عکس: محمد مومنی، شرق

گفت‌وگو با سید حسن حسینی، جامعه‌شناس خانواده درباره فرزندان خانواده‌های تک‌والدی ناشی از طلاق:

مادران؛ فرزندان «تک‌والد» بهتری تربیت می‌کنند

ما هست، در بخشی از خانواده‌ها به هم می‌ریزد. در جامعه ما که دومیلیون نفر معتاد داریم که ۶۰درصد متاهل هستند و در این ۶۰درصد حداقل ۹۰درصد صاحب فرزند هستند، طبیعی است که در چنین خانواده‌ای نه به وظایف عاطفی عمل می‌شود نه به وظایف اقتصادی. رابطه‌های اجتماعی این خانواده ضعیف است و این خانواده‌ها هم با وجود اینکه به‌ظاهر طلاق در آنها صورت نگرفته و به ظاهر یکی از اعضای خانواده فوت نشده است، اینها را هم می‌توان تحت عنوان تک‌والد دانست چون حضور فیزیکی غیرمثمر بلکه منفی در آنها وجود دارد.

۱ بازگردیم به موضوع خودمان که بچه‌های تک‌والدی محصول طلاق است. این وضعیت چه تأثیری می‌تواند روی فرزندان داشته باشد؟ در مورد بچه‌های طلاق که به صورت تک‌والدی هستند، بچه‌های طلاق یک‌سری تأثیر پذیری‌های نامطلوبی از محیط زناشویی پیدا کرده‌اند؛ به‌خصوص اگر در سن تشخیص باشند. این طرز تلقی و تجربه زیسته‌شان در زندگی آتی آنها اثر منفی دارد. وقتی یک زندگی زناشویی به طلاق منجر می‌شود به مفهوم این است که این زن و شوهر از جایی به مشاجره و به پرخاشگری رسیده‌اند. مدتی این وضعیت ادامه داشته تا به مرز مراجعه به دادگاه و محضر و طلاق انجامیده است. تمام این مدت در ذهن این کودکان ثبت می‌شود و بعد قطعا اینها در زندگی آینده‌شان و تشکیل خانواده آینده تأثیر خواهد داشت. از جایی که طلاق ثبت می‌شود، بسته به تشخیص دادگاه و قوانین مدنی، ممکن است دختر و پسر تحت‌شرایطی در اختیار مادر قرار بگیرند و تحت‌شرایط دیگری تحت قیمومیت پدر قرار گیرند یا با هر دو آنها دیدار داشته باشند. شما در نظر بگیرید برای مثال، در مواردی که در دادگاه تشخیص داده می‌شود که پدر صلاحیت نگهداری فرزند را ندارد، پسر و دختر تا سنی در اختیار مادر هستند اما اگر دادگاه تشخیص دهد که از سنی به بعد این باید در اختیار پدر باشد، این را مثلا در اختیار پدربزرگ قرار می‌دهند. تحت‌شرایطی



خانواده تک‌والدی تقریبا همیشه یک پدیده موجود در جامعه بشری بوده، منتها از دوران صنعتی شدن به بعد و از زمانی که تعداد طلاق‌ها افزایش یافت، همراه با هسته‌ای شدن خانواده، تعداد خانواده‌های تک‌والدی هم افزایش یافت؛ به این مفهوم که فرزندان وجود دارند که در دوران اجتماعی شدن و تربیت هستند که نهایتا یا با پدر زندگی می‌کنند یا با مادر

در اختیار مادر قرار می‌دهند مثلا مادامی که مادر ازدواج نکرده، ولی شرطی نداریم که مادامی که پدر ازدواج نکرده، در این مورد لحاظ شده باشد. در این موارد، چیزی که دیده می‌شود این است که از زمانی که مرد مجددا ازدواج می‌کند، خانواده تک‌والدی نداریم. در واقع، در این شرایط یک مادر جدیدی هست که این مادر جدید ممکن است اولین ازدواجش باشد یا از ازدواج‌های قبلی فرزندان داشته باشد که این فرزندان در این خانواده قرار گیرند. ما به این هم کار نداریم. ما فقط خالصا نوع خانواده‌ای را در نظر می‌گیریم که فرزند یا فرزندان با مادر یا با پدر هستند. در جامعه ما، بچه‌هایی که با مادرها زندگی می‌کنند، با وجود اینکه این مادران ممکن است حتی از امکانات شغلی و در آمدی مناسب برخوردار نباشند، با توجه به میزان عاطفه‌ای که از مادر دریافت می‌کنند، بچه‌های هماهنگ‌تری با اجتماع هستند. به خصوص اگر این مادران، مادری باشند که ترجیح زندگی بعد از طلاقشان بودن با فرزندانش. اما در مواردی که مادری قیمومیت فرزندان را بر عهده دارند اما به دنبال ازدواج بعدی می‌روند، کودکان دختری یا پسر از ازدواج مجدد مادر به‌مراتب ضربه روانی بیشتری می‌بینند تا ازدواج مجدد پدرشان. اینکه چرا اینطور است، باید به سابقه‌های فرهنگی و نوع نگرش در جامعه ما رجوع کرد.

۲ پس اساسا در همه جوامع اینطور نیست که کودکان طلاق از ازدواج مجدد مادر در مقایسه با ازدواج مجدد پدر آسیب بیشتری ببینند؟ بله. این برمی‌گردد به ارزش‌های فرهنگی ما به زن و مرد و پدر و مادر. چیزی که مسلم است، در جامعه ما بچه‌هایی که با مادر زندگی می‌کنند به دلیل اینکه حمایت و حفاظتی که از مادر گرفته‌اند، بیش از پدر است و بعضا این مادران به‌خاطر حمایت از فرزندان از زندگی زناشویی جدا شده‌اند، خودبه‌خود این بچه‌ها به لحاظ تربیتی مشکلات کمتری دارند اما به‌لحاظ اقتصادی قطعا مشکل خواهند داشت. مثلا به‌خصوص در جامعه ما که آموزش یک امر نابرابر است و هر کس که پول دارد می‌تواند تحصیلات مدارس خوب را داشته باشد و برعکس، اینجا اتفاقی که می‌افتد آن است که آینده بچه‌های بزرگ‌شده در خانواده تک‌والدی که سرپرستی آنها را مادر بر عهده دارد و این مادر از دستمزد کمی برخوردار است، خودبه‌خود در معرض عقب‌ماندگی خواهد بود. از طرف دیگر، در جامعه ما تقریبا تعداد خانواده‌های تک‌والدی که پدر پای بچه‌ها نشسته باشد، کم است. به‌طور معمول، در جامعه ما پدرها



نگار حسینی

یکی از پیامدهای بالا رفتن آمار طلاق در جامعه ایران، احتمالا این خواهد بود که بخش قابل توجهی از کودکان تنها با یکی از والدین زندگی می‌کنند. در مورد اینکه این خانواده‌های تک‌والدی چه شرایطی دارند و بعدها کودکانی که در این خانواده‌ها بزرگ شده‌اند به‌عنوان والدین چگونه رفتار خواهند کرد، با «حسن حسینی»، عضو هیات علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و متخصص حوزه جامعه‌شناسی خانواده گفت‌وگو کرده‌ایم:

۱ با توجه به روند رو به گسترش طلاق در جامعه ایرانی و گسترش خانواده‌های تک‌والدی، پرسش من این است که این خانواده‌ها چطور خانواده‌هایی هستند و چه ویژگی‌هایی دارند که آنها را با خانواده‌های معمولی متفاوت می‌کند؟ خانواده تک‌والدی تقریبا همیشه یک پدیده موجود در جامعه بشری بوده، منتها از دوران صنعتی شدن به بعد و از زمانی که تعداد طلاق‌ها افزایش یافت، همراه با هسته‌ای شدن خانواده، تعداد خانواده‌های تک‌والدی هم افزایش یافت؛ به این مفهوم که فرزندان وجود دارند که در دوران اجتماعی شدن و تربیت هستند که نهایتا یا با پدر زندگی می‌کنند یا مادر. البته با پدر یا مادر زندگی کردن، منوط به توافق با تصمیم دادگاه است یا حتی با پدر و مادر نیستند و با شخص ثالث مثل پدربزرگ زندگی می‌کنند. از این دیدگاه فرم‌های مختلفی، خانواده تک‌والدی را می‌توان دید اما فرمی که مورد توجه شماست، خانواده‌های تک‌والدی از نوع پدرخونی و مادرخونی است. چون حتی خانواده تک‌والدی می‌تواند از نوع نامخونی هم باشد. مثل اینکه کسی فرزندی را بپذیرد. بسته به اینکه ما در هر حوزه فرهنگی چه خانواده و اهداف آن و وظایف آن چگونه نگاه کنیم، در حوزه‌های فرهنگی مختلف این پدیده متفاوت می‌شود. در حوزه‌های فرهنگی جامعه صنعتی پیشرفته، پیش‌بینی‌هایی انجام شده که بخشی از وظایف خانواده را به سایر نهادهای اجتماعی به‌خصوص نهاد آموزش سپرده‌اند. این بابت آن است که شیرخوارگاه و مهدکودک و مدارس از مراکزی هستند که کودک از بدو تولد بیشترین وقت مفید را در آنجا می‌گذراند. در یک چنین وضعیتی، زیاد تفاوت ندارد که این کودک تک‌والد باشد یا با پدر یا با او باشد و هم مادر. اما در جامعه‌ای مانند جامعه ایران که تقریبا از ایجاد وضعیتی که به وجود آورنده سازمان‌هایی به‌عنوان سازمان معین خانواده باشند، عقب هستیم. در چنین شرایطی اوضاع متفاوت است و خانواده تک‌والدی ویژگی‌های متفاوتی دارد. از دیدگاه‌های مختلف جامعه‌شناسی، یکی از دیدگاه‌های غالب جامعه‌شناسی، دیدگاه فونکسیونالیسم است و اینکه خانواده چه وظایفی دارد و این وظایف بر عهده چه اجزایی است و چگونه می‌تواند به بهترین شکل ایفای نقش کند. از این دیدگاه، خانواده عموما یک نهاد همچنان مهم است به خصوص در ارتباط با اجتماعی کردن نسلی که بعدا می‌خواهد وارد جامعه شود. به عبارت دیگر مسوولیت‌پذیری، نقش‌پذیری و ایفای نقش در این دیدگاه قرار می‌گیرد. وقتی از این دیدگاه نگاه می‌کنیم، هر خانواده‌ای حتی اگر پدر و مادر در آن حضور داشته باشند اما به نقش‌های خود به درستی نپردازند و ایفای نقش نکنند، خانواده، خانواده ناقص و از هم گسیخته‌ای است. این نقص موجب ناکارآمدی خانواده می‌شود. بخشی از این ناکارآمدی در مورد فرزندان است. مثلا می‌گوییم یکی از فونکسیون‌های خانواده ارضای جنسی زن و مرد است. به هر دلیلی که زن و شوهر از ارضای جنسی هم باز بمانند یا سر باز بزنند، خود به خود این فونکسیون در نهاد خانواده به سستی می‌گراید و در بیرون خانواده باید شاهد یک سری روابط باشیم. پس اینجا تکتک وظایفی است که می‌توان شمرد. مثلا در مورد اقتصاد به خصوص در جامعه ایران گفته می‌شود که مرد مطابق قانون مدنی نان آور خانواده است. اگر جامعه‌ای دارد که با تلاطمات بسیار شدید اقتصادی مواجه است و مردان به‌عنوان نان‌آوران خانواده در مخاطره داشتن یک شغل و درآمد مناسب هستند یا حتی شغل و درآمد را از دست می‌دهند، اصولا و عموما فونکسیون اقتصادی مرد از بین می‌رود. وقتی این فونکسیون از بین رفت، سایر بخش‌های اثر گذار مرد هم در خانواده از بین می‌رود. اینها عمومیت‌هایی است که باید نگاه کرد.

۱ نکته دیگری که در جامعه ما مهم است و شما هم به آنها اشاره کرده‌اید، این است که اصولا ما خانواده‌های طلاق نگر قته‌مان هم تک‌والد شده‌اند. چرا این اتفاق رخ می‌دهد؟ چون در جامعه‌ای با مشکلات عدیده اقتصادی که نان آور خانواده چندشغله است یا بیرون از محیط جغرافیایی خانواده کار می‌کند، تمام وظایف نگهداری فرزندان اعم از نگهداری عاطفی، نگهداری تأثیر گذار، تأثیر نظام محبت و قدرت و باهمی‌بودن، همکلامی‌بودن و همراهی‌بودن تحت تأثیر نوع اقتصادی که در جامعه